

و اما در باقی ابواب که مابعد حرف مضارع متحرك است (در فعل امر محتاج به همز نمیشون) بلکه پس از اسقاط حرف مضارع بهمان حرکت امر را بنامیکنیم و فقط آخر فعل را مانند باقی صیغه امر، وقف (جزم) می نماییم تا اعراب ساقط گردد.

بنا برایین شش صیغه اهر حاضر در طی بیست باب به صورت در میآید.

۱- اول آن همز وصل میگیرد

۲- اول آن همز قطع میگیرد

۳- اول آن خالی از هر گونه همز است

اینک مثالهای هر یک

۱- مثال همز وصل از ثالثی مجرد

اضرب اضریا اضریوا - اضریی اضریا اضرین

مثال همز وصل از ثالثی مزید فیه:

استخرج استخرجا استخرجو - استخرجی استخرجا استخرجن

مثال همز وصل از ربعی مزید فیه:

اعشوشب اعشوشبا اعشوشبا - اعشوشی اعشوشبا اعشوشبن

۲- مثال همز قطع (که منحصر است بیک باب) :

اکرم، اکرمها، اکرموا - اکرمی، اکرمما، اکرممن

۳- مثال بی همز:

صرف صرف فا صرفوا - صرفی صرف فا صرفن

۶- صیغه فعل نهی

(غایب-حاضر-منکلم)

۱- شش صیغه غایب و غایبه:

لایضرب لایضربوا - لانضرب لانضربوا لایضربن

۲- شش صیغه حاضر و حاضره:

لانضرب لانضربوا - لانضربی لانضربا لانضربن

(۲۷)



٣ - دو صیغہ متکلم :

لاضرب لأنضرب

٧ - صيغ فعل استفهام

۱ - شش صیغه غایب و غایبیه:

هل يضر بـ هل يضر بـ هل يضر بـ

٢- شش صیغه حاضر و حاضر:

۳ - دو صیغہ متن کلم:

هل اضرب هل نضرب

سیان علائم و صیغ هفت و چه فعل هم ترتیب (اخباری و انشائی) باید رسمید اینک

یک تقسیم هفت وجهی دیگر از افعال شروع میشود:

فعل باعتبار خالص بودن از هر عارضه باعو ارضی که بخود میگیرد بایز هم هنقم

مشود و اقسام اولیه چهار است:

١- صحيح - معتل ٣ - مهمل - ضعيف.

معتل نیز (که قسم تانی است) باعتبار مواضع حروف علم بعد از حروف علم چهار

فلم می شود:

١- هناك ٤- اجروف ٣- عاقص ٢- الفيف

پیش مجموعه اقسام (اولیه و ثانویه) هفت قسم است:

١- ماضعف ٧- هموز ٦- لفيف ٥- ناقص ٤- اجوف ٣- امثال ٢- صحيح

اینک بیان وجوه هفتگانه بر تدبیر:

卷之三

فعل صحیح آنکه از حروف صحاح ترکیب شود (حروف صحاح بیست و پنج

حروف از بست و هشت حرف تیجه، می باشد: در مقابل سه حرف عله (

٤ - محتوى:

فعل معتل آنست که دارای حروف عله باشد (حروف عله سه حرف است ۱- و او ۲- الف ۳- یا